



• این تصویر توسط سرویس خبری شتر تهیه شده است

توسعه صنایع گرفتار بیراهه شده است

گره صنعتی

شد، حال چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا ما می‌خواهیم خانه خراب‌کن خود و دنیا آبادکن دیگران شویم؟! چندی قبل این‌همه برای پیوستن به پیمان شانگهای تبلیغ شد؛ اما نگفتند ما چه داریم که به این کشورها صادر کنیم، جز اینکه مواد خام مورد نیازشان را از منابع خودمان تأمین کنیم؟ اینها همه از بی‌برنامگی است. این مسیری که ما می‌رویم، مسیر توسعه نیست، مسیر زدن چوب حراج به منابع خدادادی و ثروت‌های بین‌نسلی‌مان است که به ثمن بخش می‌فروشیم.

در برخی زمینه‌ها ما دچار مشکل ناتوانی در برنامه‌ریزی هستیم. مثلا وفق داده‌های وزارت صمت در پایان سال ۱۴۰۰ ما دارای ۱۸۳ واحد با مشخصت حقوقی و حقیقی دارای پروانه بهره‌برداری تولید میلگرد آهنی و فولادی بوده‌ایم و درعین‌حال ۷۳ مجوز در دست اجرا هم صادر شده است. یقینا با این روش در دنیا هیچ حرفی برای گفتن نداریم و فقط ارز و برق و مواد خام کشور را مصرف و طبیعت را نابود می‌کنیم.

پژوهشی را روی واحدهای فولادی انجام داده بودم که نشان می‌داد در بازه زمانی ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۷ حدود ۱۹ میلیارد دلار شمش فولاد برای واحدهای نوردکار واردات کردیم. واقعا دولت‌ها و مجالس ما چه کار کردند؟ این نوع تولید چه فایده‌ای برای ما دارد؟ این دو نهاد چه توجیهی در کشورمان دارند؟ ما فقط آب و برق و تمام انرژی‌شان را با قیمت‌های ارزان تأمین کنیم تا برای‌مان کالای نه‌چندان باارزش تولید کنند!وقف آمارهای مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۹، ارزش سوخت مصرفی کارگاه‌های صنعتی دارای ۱۰ نفر کارکن و بیشتر در بخش تولید فلزات پایه بیش از ۳۶ درصد، تولید مواد شیمیایی و فراورده‌های شیمیایی بیش از ۲۵ درصد و همچنین برای تولید سایر فراورده‌های معدنی غیرفلزی بیش از ۱۵ درصد بوده است؛ یعنی به‌تنهایی ۷۶ درصد انرژی بخش صنعتی را تنها این سه بخش مصرف کرده‌اند. منطبق بر همین آمار، ارزش برق مصرف‌شده این سه بخش به‌تنهایی ۷۶ درصد مصرف کل صنایع نیز بوده است. باز هم منطبق بر همین داده‌های رسمی، ارزش آب مصرف‌شده همین سه بخش بیش از ۲۴ درصد کل صنایع است. به‌دلیل همین کم‌بسیاری از کشورهای دیگر ندان طمع‌کنند از منابع کشور ما را دارند. همه می‌خواهند با ما پیمان تجاری ببندند و دولت‌های ما هم مشتاق بستن قراردادهای تجارت ترجیحی با دیگر کشورها هستند، برای اینکه از ما مواد خام بگیرند و کالاهای با ارزش افزوده و با فناوری بالای خود را به ما بفروشند. ما بازار مصرف کالاهای تولیدی آنها و تأمین‌کننده مواد اولیه‌شان شده‌ایم.

اتلاف برق ایران در شبکه توزیع ۲ برابر عربستان

یکی دیگر از مواردی که در کشورها شده و به آن به‌هیچ‌عنوان توجهی نمی‌شود، بحث اتلاف در انتقال و توزیع برق است. تا این را می‌گوییم، پاسخ آقایان این است که استهلاک همه جا وجود دارد! با استفاده از آمارهای ترازنامه انرژی وزارت نیرو در سال‌های

چگونه چنین صنایعی در کشور ما پا گرفته است؟ از سوی دیگر اگر به آمارهای رسمی منتشرشده توجه کنیم، حقایق دردناکی در برابر ما قرار می‌گیرد.

برای مثال در کشور چین و چند شرکت مثلا در متانول‌سازی یا اتیلن یا پروپیلن و مثال‌های مشابه وجود دارد، ولی همه طبق گفته‌های رسمی مدیران ارشد شرکت ملی صنایع پتروشیمی، بسیاری از آنها خام‌فروش هستند.

آمارهای رسمی منتشرشده بانک مرکزی نیز نشان از حقیقت همین‌گفته دارد. آمار صادرات و واردات بانک مرکزی بر حسب طبقه‌بندی بین‌المللی کالا نشان می‌دهد که ارزش متوسط هر تن صادرات محصولات شیمیایی (که شامل محصولات پتروشیمیایی هم هست) در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۸ حدود ۵۲۴ دلار بوده؛ درحالی‌که بر حسب همین طبقه‌بندی، ارزش وارداتی هر تن این مواد با میانگین قیمت حدود سه‌هزارو ۴۰۰ دلار صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر هر تن واردات محصولات شیمیایی به کشور حدود شش‌برابر گران‌تر از صادرات ما است.

همین وضعیت را در محصولات فولادی شاهدیم، به نحوی که بر حسب طبقه‌بندی بین‌المللی کالا در آمارهای بانک مرکزی مشاهده می‌شود که در سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۸۵، متوسط ارزش صادرات هر تن محصولات آهن و فولاد حدود هشت‌هزارو ۵۳۲ دلار بوده؛ درحالی‌که در همین بازه زمانی ارزش هر تن واردات همین محصولات ۱۱هزارو ۷۵۲ دلار بوده است. تأسف‌آور است که طبق آمارهای منتشرشده بانک مرکزی در سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۸۴ اوله بیش از ۲۳۳ میلیون تن کلوخه‌های کانی فلزی صادر کرده‌ایم که به‌طور متوسط ارزش هر تن ۶۱ دلار بوده است.

باید گفت با این رویه تولیدی که ما در پیش گرفته‌ایم، در حقیقت ما کارگر برخی کشورها شده‌ایم که آب، برق و سایر منابع را با هزینه بسیار پایین به نابودی می‌کشانیم تا یک محصول با ارزش افزوده کمتر و فناوری پایین برای صادرات تولید کنیم و به آن هم می‌بالیم و فخر می‌فروشیم. البته این‌ماچرا محدود به پتروشیمی‌ها نیست و درباره فولاد، محصولات معدنی، محصولات کانی غیرفلزی مانند سیمان، تولید مرغ گوشتی، تولید به‌اصطلاح خودرو، تولید به‌اصطلاح تلویزیون، تولید به‌اصطلاح موتورسیکلت، تأسیس ده‌ها شرکت هواپیمایی و صدها مورد دیگر هم صدق می‌کند. من به‌عنوان یک پژوهشگر توسعه‌ شرمکین هستم که حقوق وصول‌شده کل معادن کشور در طول ۱۷ سال (۱۴۰۱-۱۳۸۵) مجموعا برابر با ۶۸ هزار میلیارد تومان شده است. این در حالی است که سود خالص پس از کسر مالیات تنها یک شرکت خام‌فروش در همین فعالیت، در سال ۱۴۰۰ برابر با ۵۰ هزار میلیارد تومان بوده است.

زی‌ساخت گران، تولید ارزان!

این روزها شاهدیم که این صنایع از افزایش هزینه انرژی شاکی و گلاچمند هستند. فرض بگیریم که انرژی این صنایع هم تأمین

مختلف، مشاهده می‌شود که تلفات انتقال و توزیع برق کشور بالای ۱۲ یا ۱۳ درصد است؛ درحالی‌که این عدد مثلا در عربستان شش درصد است و در برخی دیگر از کشورها مثل کره جنوبی چهار درصد است.»

سهم ما در سال ۲۰۲۱ از تجارت جهانی تنها ۲۱صدم درصد بوده است که عموما هم از محل صادرات محصولات صنایع وابسته به منابع طبیعی و خام‌فروشی این کشور به دست آمده است. از همین رو است که کشورهای پیشرفته از منظر تجارت دیگر اهمیتی برای ما قائل نیستند و رفتار اخیر برخی از کشورهایی که تصور می‌شود متحدا ما هستند، از این زاویه باید بررسی شود. خوب است از خود بپرسیم که با این سهم از تجارت جهانی که عمدتا از محل منابع خام است در همان حال با تعدد واحدهای مشابه و ارزش‌افزوده پایین برخی مدیران کجای دنیا می‌خواهیم خودی نشان دهیم؟ آن هم با بنگاه‌های تکراری که گاه بازار خراب‌کن همدیگر در بازارهای جهانی هستند.

اتکای بی‌رویه صنایع به منابع طبیعی

همچنین باید تأکید کرد که ادعای بسیاری از این نوع صنایع مبتنی بر منابع طبیعی کشور که می‌گویند در اشتغال و تولید نقش پررنگ دارند، نادرست است. تولید ناخالص داخلی و ارزش‌افزوده ما در مقایسه با کشورهای رهاشده از توسعه‌نیافتگی همچون تایوان، کره جنوبی، چین و... کیفیت ندارد. همه شعار اشتغال می‌دهند اما اشتغالمان هم مانند ارزش‌افزوده کم‌کیفیت است.

اشتغال ما امروز به‌سوی کارهای نامولد رفته است؛ چراکه بی‌برنامگی در تمام امور کشور موج می‌زند. البته دولت و مجلس اسما می‌گویند برنامه نوشتنه‌اند اما فقط مسواری از آمال و آرزوهایشان را روی کاغذ می‌آورند و بعد هم فراموش می‌کنند، چون در این یک سده به‌جز دوره‌هایی محدود، نه برخی از مجالسمان کار درست و اصولی بر مبنای یک برنامه و راهبرد بلندمدت انجام داده‌اند و نه بخشی از دولت‌هایمان.

برای خرید محبوبیت، در فضای گفتمان یک‌طرفه در رسانه‌ها اعلام می‌کنند، برق پاساژ و منازل را قطع نمی‌کنند و سراغ برق صنایع می‌روند. بعد هم درحالی‌که یک فرد مستقل در مقابلشان برای استدلال وجود ندارد، می‌گویند ۵۸۰ هزار واحد صنعتی را تأمین برق کردیم اما نمی‌گویند این واحدهای عموما صنفی که فیدرهای مستقل برق برای قطع‌کردن ندارند چند درصد ارزش‌افزوده کشور را تولید می‌کنند، یا می‌گویند نصف روز از ساعت ۱۱ تا ۲۳ برق واحدهای صنعتی در شهرک‌ها را قطع می‌کنند و مطلب را ساده نشان می‌دهند اما نمی‌گویند که این یعنی دو شیفت تعطیلی یک کارخانه و متأسفانه وزیر متولی صنعت هم با سکوت این مطلب را برنگاز می‌کند.

از طرف دیگر با ساده‌سازی اعلام می‌کنند که یک روز در هفته را تعطیل می‌کنند، ولی دولت در وزارتخانه‌های خود هماهنگ نمی‌کند که به‌جای تعطیلی روز جمعه، هر واحدی تعطیلی‌اش همان روزی باشد که برق ندارد تا دردرس و هزینه تحمیلی بنگاه تولیدی کمتر باشد. به گمانم وزارت نیرو به داده‌های مقایسه‌ای با سایر کشورها که در ترازنامه انرژی خودش منتشر می‌کند هم اعتقادی ندارد. چون این داده‌ها نشان می‌دهند که کشورهای توسعه‌یافته، چگونه به تولید و صنعت خود اهمیت می‌دهند و در پی کاهش هزینه‌های آن هستند اما به صنعت در کشور ما به علت ناکارآمدی تصمیم‌گیران هزینه‌های زیادی تحمیل می‌شود. به عبارت دیگر صنعت در کشور ما به حیاط خلوت تصمیم‌گیران تبدیل شده که هر جا به علت ناکارآمدی و یا عدم برنامه‌ریزی، دولت‌ها در هر بخشی با کمبود مواجه شدند، از این بخش مایه بگذارند و کمبودها و ناکارآمدی‌ها را جبران کنند.

از این گذشته در ایران ما با گوش‌های عیبی رویه‌رو هستیم. مثلا در اینجا وزیر صمت ما می‌گوید شرکت‌ها برونند و نیروگاه تأسیس کنند. این موضوع بسیار قابل‌تامل است. پس وظیفه دولت چیست؟ دولت باید نیروگاه بزند و برقش را برساند که هزینه عوامل تولید را کم کند. دولت‌ها باید حافظ و نگهدار تولید، توسعه و ملزومات آن باشند اما متأسفانه ما در این کشور حافظی برای تولید و توسعه نمی‌بینیم. مثال‌ها هم فراوان است. مثلا اخیرا بنگاه‌های صنعتی مواجه شده‌اند با عطف مباسیق شدن قوانین و مبتنی بر یک مصوبه هیئت دولت در سال ۱۳۹۹، می‌گویند شرکت‌هایی که مصرف برقشان فلان‌قدر است، باید برای تأمین انرژی، سراغ بورس انرژی بروند. خیلی عجیب است و حداقل نمونه‌ای در دیگر کشورهای توسعه‌یافته ندیده‌ام یا از طرف دیگر برای رفع ناترازی گاز می‌گویند، بروید مخزن بزنید، گاز را مایع کنید و نگه دارید؛ مثل این است که هر کارخانه‌ای یک بمب داشته باشد.

ادغام صنایع

اما با این‌ واحدهای صنعتی و نبود برنامه در دولت و مجلس چه باید کرد؟ در قدم اول باید بین واحدها، واحدهای با ارزش‌افزوده بالاتر را شناسایی و انتخاب کنیم. مثلا در زیربخش فولاد همان‌طورکه گفتم ما بیش از ۱۸۰ میلگردساز دارای پروانه بهره‌برداری داریم. با اگر اشتباه نکنم ۸۹ واحد تولید سیمان داریم؛ که اکثر آنها به تولید سیمان خاکستری پرتلند مشغول‌اند و نه سیمان‌های موردنیاز کارهای مهندسی کشور.

منابع کشور از آب تا خاک و برق هم برای اینها از دست می‌رود. این را مقایسه کنید با کره جنوبی که تنها ۱۰ شرکت دارد

اما بیشتر و باکیفیت‌تر از ما تولید می‌کنند. برای مثال، شاخص‌های اقتصادی و مالی شرکت‌های پتروشیمی‌مان را تنها با یک شرکت کره‌ای به نام SK مقایسه کردم. نتیجه تأسف‌بار بود. راه چاره ما اقتصاد مقیاس است و برای آن لازم است که شرکت‌ها را در هم ادغام کرد.

در ایران به ازای هر بشکه نفتی که استخراج می‌شود، معادل ۳۳ درصد هدررفت آب رخ می‌دهد. همچنین پتروشیمی‌مان آب‌بر است و بر اساس گزارش سال ۱۳۹۹ مرکز آمار ایران مشاهده می‌شود که بیش از ۴۲ درصد آب مصرفی صنایع کشور را این بخش مصرف کرده است و در مصاحبه‌ای که مدیر یک شرکت برای احداث واحد پتروشیمی در کهگیلویه و بویراحمد تا جایی که به خاطر دارم اعلام کرده بود، به ازای تولید هر کیلو اتیلن، ۱۵ لیتر آب مصرف می‌شود یا هر کیلو فولاد تولیدی، هشت لیتر آب مصرف می‌کند، پس بی‌دلیل نیست که کشور با کم‌آبی روبه‌رو شده است.

حذف مجوزهای بیهوده

زمانی وزیر صمت، آقای شریعتمداری در جراید روزهای ۱۰ و ۱۱ مهرماه ۱۳۹۶ اعلام کرد «۱۱۰ میلیون تن مجوز راکد و ۶۵ میلیون تن مجوز با سرنوشته نامعلوم در زنجیره فولاد وجود دارد». او در ادامه گفت: «تمام مسئولان نظام با یک برادر سرمایه‌گذار پشت در اتاق معاون معدنی نشست‌اند تا مجوز فولاد بگیرند». مجوزهای بیهوده و حساب‌نشده در همه رشته‌ها بالای جان کشور شده است که عنصر اصلی بسیاری از آنها رانت‌هایی است که در این نوع صنایع خام‌فروش و نابودکننده محیط زیست و ثروت‌های ما توزیع می‌شود. آخرین آن هم همین پتروشیمی میانکاله است که بازم در زمینه تقویت بیشتر خام‌فروشی به قیمت نابودی طبیعت کشور در جریان است.

انتحاصر پروژه‌های عمرانی به سدسازی و ساختمان‌سازی

همچنین باید تأکید کرد که با ازدست‌دادن فرصت‌های ظالمی در ۱۱۴ سال گذشته، از کشف اولین چاه نفت که قدرتی اثرگذار برای ایران بود و هدر رفت، این دولت‌ها و مجالس در طول یک سده گذشته عموما -به جز چند دوره محدود که در آن دوره‌ها انصافا ابزارها و توانمندی‌های جهش و توسعه در این کشور بنا نهاده شد و استقرار یافت‌که همچنان با توجه به ذخیره دانایی‌ای که آنها بنا نهادند، در صورت بروز فرصت، می‌توان امید به جبران عقب‌ماندگی‌ها داشت- هیچ راهی به‌جز فروش نفت، گاز و مواد معدنی حاصل از منابع طبیعی خدادادی کشور و توانایی کنترل و برنامه‌ریزی صحیح علمی را گویا ندارند و دانما مشغول ساختمان‌سازی، سدسازی، راه‌سازی و امور مشابه تحت نام اهمیت زیرساخت‌ها هستند که تمام‌شدنی هم نیستند یا اینکه ایجاد واحدهای مونتاژکاران و کارخانجات مشابه را معادل توسعه و پیشرفت می‌دانند. اگر با همین روند پیش برویم باید گفت، وضعیت همین گونه که هستیم یاقی خواهد ماند و علاوه بر آن با تخصیص نامناسب منابع، شاهد نابودی ابعاد مختلف زیست جمعی از جمله محیط زیست خواهیم بود.

درجاذن اشتغال با مونتاژ و خام‌فروشی

متأسفانه یکی دیگر از مواردی که صاحبان مشاغل وابسته به خام‌فروشی یا مونتاژکاران به کار می‌برند و بر آن جهت ادامه فعالیت‌های خود تأکید می‌کنند، واژه اشتغال است.

شاهد این هستیم که این افراد واژه ایجاد اشتغال را به‌عنوان تبلیغ مبارها به کار می‌برند و کمیت‌ها را برای خرید محبوبیت در این میان به خوبی به کار می‌گیرند و تبلیغ می‌کنند که این تعداد اشتغال داریم اما نمی‌گویند سفر تا صد این اشتغال‌ها به ارز و انرژی وابسته است و این اشتغال هیچ ارزشی ندارد.

واقعیت‌های تلخی است که این دولت‌ها با رؤسای آن با رؤسای جمهور حرف می‌زنند و نه رؤسای جمهور خواهان آن می‌شوند که نخبگان مستقل در جلسات ایشان حضور داشته و سست‌بودن این استدلال‌ها را به چالش بکشند.

سال گذشته در مراسمی ریاست محترم جمهور شرکت داشتند و وزرا چنده پروژه را به عنوان طرح پیشران استارت می‌زنند ولی هیچ‌کس از نخبگان مستقل نبود که به رئیس‌جمهور محترم حداقل بگوید که اینها پیشران نیست. اگر این بخش‌هایی که معرفی کرده‌اند، پیشران هستند، چرا در این یک سده گذشته که شاهد سرمایه‌گذاری در ده‌ها طرح مشابه آنها بوده‌ایم، توسعه حاصل نشده است؟ جز این است که از موبایل تا کولرگازی‌مان تا صنایع فولاد و نخ فرش‌مان صدها محصول فناوریانه دیگر که هر روز استفاده کرده و ضروری هم هستند، همه وارداتی و ارزی هستند؟».

درنهایت باید گفت باوجود برنامه‌های غیرعلمی بی‌ثمری که برای توسعه‌ کشور تهیه و تدوین شده و همچنان می‌شود، من کشور را در صورت به‌کارگیری نخبگان منتخب اینجانب، دارای توانایی فائق‌آمدن بر تمامی مشکلات، در مدت نسبتا قابل‌قبولی می‌دانم. زیرا بر اثر فداکاری کارشناسان شرافتمند رده میانی بسیاری از دولت‌ها، امکانات سخت‌افزاری مورد نیاز و همچنین ذخیره‌د انایی داخل و خارج جوانان اندیشمند ایرانی شرایطی فراهم است که با اتکا به آنها می‌توان تغییرات بسیار مثبتی را پدید آورد. صنعت، اقتصاد و شرایط اجتماعی کشورمان دچار مشکلاتی است و این مشکلات از همان سطح و نهادهایی که باعث به‌وجودآمدن آنها شده است، قابل حل نیست. باید به سطح بالاتری رفت.

مزایده املاک تملیکی و مازاد بر نیاز بانک



مدیریت منطقه زنجان

بانک سپه مدیریت منطقه زنجان در نظر دارد با رعایت قوانین و مقررات ، املاک و مستغلات تحت اختیار خود واقع در استان زنجان ، شهرستان خرمدره را به شرح مشخصات پیوست و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی الکترونیکی **WWW.SETADIRAN.IR** اقدام نماید .

زمان انتشار فراخوان مزایده: از تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۵ الی ۱۴۰۲/۰۶/۰۹

مهلت دریافت اسناد مزایده: از ساعت ۱۴:۰۰ تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

مهلت ارائه پیشنهاد از تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۵ الی ۱۴۰۲/۰۶/۰۹

زمان بازگشایی پیشنهادات: ساعت ۱۰:۰۰ تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۶/۱۱

زمان اعلام به برنده: ۱۴۰۲/۰۶/۱۲

زمان بازدید از ۱۴۰۲/۰۵/۲۵ الی ۱۴۰۲/۰۵/۳۰ از ساعت ۰۸:۰۰ الی ۱۲:۰۰

تاریخ نشر آگهی در روزنامه سراسری در تاریخ ۲۵ مرداد و در روزنامه محلی به تاریخ ۲۸ مرداد ماه صورت پذیرد.

شناسه آگهی : ۱۵۴۹۶۷۷

حضور بی‌سابقه چینی‌ها در نمایشگاه قطعات خودرو

امسال در نمایشگاه بین‌المللی قطعات تهران حدود ۵۰۰ شرکت تولیدی چینی و بالغ بر هزارو ۲۰۰ نفر از مدیران و مهندسان در این نمایشگاه حضور به عمل آورده‌اند.

لومینگ، نماینده شرکت‌های چینی حاضر در این نمایشگاه و شریک تجاری شرکت بازگانی بین‌المللی ایدرو، در این باره اظهار کرد: هدف از حضور نماینده‌های شرکت‌های چینی در این نمایشگاه همکاری مشترک و سرمایه‌گذاری با هدف مصرف تولیدات داخلی و صادرات مجدد آن به کشورهای مختلف است. امیدوار هستیم در سال‌های آتی این حضور هدفمندتر و مؤثرتر از امسال پایه‌گذاری شود.

وی افزود: در این راستا، از حمایت‌ها و مساعدت‌های شرکت نمایشگاهی ایدرو و مدیرعامل آن مجموعه بابت فراهم‌سازی بستر لازم برای بسط و توسعه همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی دو کشور، تشکر می‌کند.

